



۲۰۱۷/۰۱/۲۲



م. عارف عباسی

دلیل این تغییر چیست؟

پدیده های قلمی دانشمند محترم آقای سید هاشم سدید همواره برایم ارزشمند و دل پذیر بوده، علاوه بر برانندگی مطالب و آموزندگی محتویات جناب شان و زیبایی، سلاست و گیرندگی شعرای متقدم و معاصر با تخیلات و خواننده را میبھوت می سازند. در قشنگ دو کلمه بی دری وجود دارد



سید صاحب در نوشته دو بخشی خود «دلیل این تغییر چیست؟» دریایی را در کوزه گنجانیده اند و بحثی را مطرح نموده اند که خود با ابعاد چندین جانبه و بسی عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایجاب تحقیق علمی به سویه یک کتاب را می نماید. محترم سدید از ملائمت کار گرفته و تغییرش خوانده اند ولی بر اساس واقعیت ها و شواهد و قرائن قهقراء و انحطاط پیداست که باید گفت دلیل چیست؟

در ایام نقاھت کتابی را به زبان انگلیسی در بستر شنیدم تحت عنوان «سرنوشت مختل شد Destiny Disrupted» که در ۸۶ بخش توسط محترم آقای تمیم انصاری نهایت سلیس و روان تألیف شده که با تحقیقات مستند علمی اسلام را از بدو نبوت حضرت محمد (ص) پیامبر اسلام، منازعات جانشینی خلافت، اختلافات بین اهل بیت پیامبر، امارت امویان و درخشش علم پروری دور عباسیان و تمدن و گسترش ساحه فتوحات امویان و عباسیان را در آسیای صغیر، شرق میانه، شرق دور و آسیای میانه بیان داشته از سلاله ها و تمدن فارس قدیم و امپراتوری عثمانی ها و مغل های هند و تیموریان هرات را به بحث مفصل گرفته و زوال و به قهقراء رفتن هر کدام را با دلایل مستند بیطرفانه و عالمانه بدون آثار تعصب و بدبینی توضیح نموده که دلایل بعضی افول در عوامل داخلی نظام های اسلامی و دیگرانی در نفوذ قدرت های بیرونی سراغ می گردد این توضیحات بر معلومات من افزود و برداشت وسیع تری برایم میسر ساخت البته که محترم تمیم انصاری در تألیف این کتاب زحمت فراوان کشیده و اثر عالی آفریده اند. هم چنان آغوش باز نمودن اسلام در پذیرفتن دیگران و احترام به ادیان و عقاید شان و پرهیختن از تعصب و بدبینی در شرائط صلح و ضرر ندیدن و پناه دادن به ظلم کشیدگان و محکومین جبر ستم پیشگان دینی مثال های بی شماری از «نرم خوبی» اسلام بوده.

جناب سدید صاحب به دور نبوغ عقلانیت و علم پروری و انکشافات و اکتشافات عالم اسلام که طول و تفصیل پیشرفت در هر رشته چون طبابت جسمانی و روانی، اولین توضیح فزیولوژی انسان وظائف و ساختار هر عضو بدن، اولین

پوهنتون طبی و صدور شهادت نامه فارغ التحصیل، تسلط بر علم کیمیا و خواص نباتات و گیاه های طبیعی و ترکیب و تهیه ادویه جات، پیشرف در علم فزیک و استفاده از قوه باد در بیرون کشیدن آب و آسیاب های بادی و چرخش و وسائل صنعتی توسط قوه آب، توسعه دانش در علم نجوم و امور دریانوردی و بالاخص کثرت تراجم آثار علمی نویسندگان غیر مسلمان، کتابخانه غنی بغداد و لیلیه «دانش سرای» بغداد برای رهایش علمی مهمان از یونان، چین، هندوستان، فارس و روم و صد ها مثال دیگر مستند تاریخی.

همچنان جناب سدید صاحب از تأسیس اولین امارت اسلامی در جنوب هسپانیه توسط یکی از نواده های امویان که نمونه زیست باهمی در آن زمان بوده عربی زبان رسمی دربار و وزیر خارجه امارت یک فرد یهودی بود، چنان عدالتی رهکرد این امارت بود که پیروان هر دین در پهلوی مسلمانان به صلح و آرامش می زیستند و روزانه از قطار های عیسویان و یهودان که برای قبولی اسلام در برابر درب مسجد بزرگ شهر (حالا به کلیسا تبدیل شده) منتظر بودند تذکر رفته در کتابی نوشته شده است که به صدها حمام عمومی اعمار و برای تنظیف شهر ترتیبات جمع آوری کثافات از شهر وجود داشت.

خلاصه که هدف تنها از ایجاد یک امپراتوری نظامی نبوده بلکه تهداب گذاری یک تمدن بود بر مبنای اصول آدمیت با تأمین عدالت و مساوات و زیست باهمی به نام تمدن اسلام.

جناب سدید صاحب این همه در خشش عصر مطالی اسلام را با تمام آگاهی بیداری علم و فن دانش از قرن هفتم عیسوی تا قرن سیزده با اروپای عقب افتاده در استعمار قدرت های مطلق العنان و مستبد به یاری ملاکین ستم پیشه و اهل کلیسای عقب گراء ضد علم و دانش، تعلیم و تدریس مطابق اصول کلیسا و در انحصار کلیسای سودجو برای بهره برداری از اکثریت نادار، فقیر و بینوا و مزدور به مقایسه می گیرند و سؤال های مهم را مطرح می نمایند که چرا این درخشش به تاریکی گرائید و آن عقب افتادگی بی خبری و جهالت پیشرو و پیشتاز شد؟ و تا حدی خود عوامل این قهقراء را توضیح و نظر دیگران را در مورد خواسته اند.

در مورد انحطاط این دوره خاص می توان از دو عامل عمده ذیل یاد نمود:

اول - تا زمانی که کتب و آثار فلسفی یونانی ها ترجمه نشده بود پیروان اسلام احکام قرآن و احادیث پیامبر را رهنمای زندگی خود پنداشته دین را راه رسم زندگی خود با اقرار بالسان و تصدیق بالقلب قبول و در عقیده خود شک و شبه نداشتند ولی زمانی که پای تعقل گرایی فلسفی و منطق به میان آمد با نفوذ منطق و فلسفه در محیط علمی اسلامی علمای دینی خود را در برابر چون و چرا و دلیل و برهان یافتند و با قبول فلسفه وحدانیت در دیگر مسائل به سوالات مختلف در واقعیت ها برخوردند که تا کدام حد اعمال انسان مطابق مشیت الهی و قوه بالاتر از قدرت انسان است و تا کجا تعقل و فهم و اراده خود بنده در تعیین مسیر زندگی و اعمال و کردارش نقش دارد و کتاب الهی می گوید که من به تو عقل و قوه تمیز داده ام، تو فاعل بالمختاری اما چنین اندیشه مطابق عقیده دیگران نبود که بعضی با ابراز نظر خود بر پایه منطق و اصول که انسان با عقلانیت فاعل بالمختار است محکوم به تکفیر گردیده تعذیب و زندانی شدند که از اینجا اختلافات عمیق تبارز نموده شاخه های مختلف و مذاهب نشأت نمود و این تشتت و چند پارچگی موقوف اسلام را تضعیف و باعث بروز منازعات گردید.

دوم - هجوم هیبتناک و وحشیانه چنگیز و مغل ها بر بلاد اسلامی و غیر اسلامی چون چین و روسیه و بالاخص ویرانی تمدن های خانات آسیای میانه و جنوب دریای آمو بلخ، بامیان، غزنه، هلمند، غور، هرات و فارس و شرق

میان‌ه را بار آورد، ویرانی و به آتش کشیدن مهد تمدن و کانون فرهنگ و دانش اسلام شهر بغداد و کلیه بناهای علمی آن بشمول کتابخانه یک صد هزار کتاب و قتل عام باشندگان این شهر اسلام را به بحران کشاند. این تهاجمات عالم اسلام را از لحاظ مادی و معنوی سخت صدمه زد و آثار مدنیت با آتش کشیدن شهرها با جمیع هست و بود آن از بین رفت و از کشتگان کله منارها ساخته شد. دیگر توان و آرزوی اعمار و بناء باقی نماند و حالت روانی خاص با گوشه گیری‌ها و قناعت‌های افراطی، عطالت مبدل شده تلاش‌ها صرف به لقمه نانی یافتن و زنده ماندن خلاصه گردید حملات و ایکنگ‌ها و رومن‌ها در اروپا به هیچ وجه با این جهان کشایی بیرحمانه قابل مقایسه نیست.

بازماندگان مغل اسلام را پذیرفتند و در احیای مجدد آن چه نیاکان شان ویران و برباد کرده بود کوشیدند و تمدن‌هایی در نیم قاره هند و هرات بنا نمودند و نظام‌های نوینی در فارس، شرق میانه آسیای صغیر بوجود آمد و زندگی را از سر گرفتند.

در حالی که با جناب سدید صاحب موافقم که ضعف نفسانی و قدرت پرستی و آز و حرص مسلمان است که زمینه ساز نفوذ و حاکمیت بیگانه بوده خود فروختگی و دنائت آفرین بوده مسبب تباهی و بربادی بلاد اسلامی گردیده. فساد گسترده فساد پیشگی، عیاشی و خوش گذرانی زمام داران به انواع مختلف عامل ضعف و تنزل تمدن اسلام بوده. ولی قابل تذکر میدانم که اروپا در تاریکی و جهالت دیر نپائید با نهضت‌های اصلاح طلبی و بیداری عامه با نقش براننده اقبال بصیر و خیر زنجیر عقب‌گرایی و استثمار کلیسا در هم شکست و دین‌داری توأم با عقلانیت گردید و ممالک اروپایی به محیط زیست تولیدات محدود خود قناعت نکرده با نیروهای بحری برای بهره برداری اقتصادی با قوت آتش و نیروهای نظامی خود شیوه استعمار و استثمار پیشه نموده از شمال آفریقا و جنوب آمریکا و جنوب و جنوب شرق آسیا و شرق میانه با استثمار منابع طبیعی و محصولات مختلف زراعتی مواد مورد نیاز دستگاه‌های تولیدی خود را تهیه و محصولات آن را با بازار دنیا و ممالک تحت استعمار فروختند و ثروت‌های بیشماری اندوختند، یعنی اروپا هم دانا شد و هم ثروتمند و در پهنای این ماجراجویی‌های استعماری در ممالک اسلامی برای اهداف ستراتیژیک نظامی و حفظ منافع اقتصادی گماشتگان خود را زمامدار ساختند و علمای دینی را خریدند و اگر احیاناً تحرکی از طرف مردم متدین صورت گرفت توسط دست نشانندگان قوت‌های استعماری نابود گردید.

انقلاب صنعتی اروپا و کشف منابع نفتی در فارس (ایران امروزی) و عربستان سعودی کل منظر سیاسی و اقتصادی جهان را تغییر داد و تشبثات استعماری غرب با مقاومت دو قشر روبرو گردید، اقبال ملی‌گرا و اسلام‌گرایان که هر دو قشر توسط زمام‌داران مزدور کوبیده شد.

عامل دیگر پیروی بعضی از مسلمانان از فلسفه و مکتب مترالیسم مارکس، لینن و مائو بوده که دین را افیون پنداشته و عامل بدبختی، عطالت و عدم تحرک جامعه می‌پنداشتند و در شرائط حصول قدرت عملاً و علناً ضد دین و دین‌داری فعالیت نمودند.

در تسلط سه صد ساله انگلیس‌ها بر هندوستان و رقابت دو قدرت بزرگ نظامی جهان برتانیه کبیر و روسیه به نام بازی بزرگ یا (The Great Game) بسی ممالک اسلامی آسیای میانه که در تصرف ترکیه و فارس بودند توسط روسیه اشغال و فارس تحت اشغال هر دو قدرت قرار و درب دین و دین‌داری به روی خانات آسیای میانه در زمان حکومت کمونستی شوروی بسته و نظام الحاد و بی‌خدایی مستقر شد.

اسلام در سه دهه اخیر:

بعد از سال های ۱۹۸۰ دین اسلام به حیث ابزار سیاسی مورد استفاده قرار گرفته شمول امریکا و متحدین غربی در نهضت مقاومت آزادی خواهی مردم افغانستان برای از زانو در آوردن رقیب جنگ سرد (شوروی) این مبارزه را با برس سیاست و کمک پاکستان رنگمالی دینی نموده از شمال افریقا و شرق میانه جانیان و متخلفین قانون را استخدام و به مجانین شمشیر دادند و از این جا تروریزم نشأت کرد. آن چه امروز زیر نام اسلام در جهان صورت می گیرد ذهنیت ساز جهان غیر اسلام است و هیچ اروپایی و امریکایی فرصت ندارد که قرآن را بخواند و سیرت نبی را مرور نموده و روش صدر اسلام و تشعشع مدنیت اسلام را از نظر بگذراند ولی آنچه را در آئینه مطبوعات خود می نگرد به دین اسلام ارتباط می دهد. جنرال «فلین» مشاور امنیتی رئیس جمهور «ترمپ» را عقیده بر آنست که تند گرای و تروریزم اسلامی نی بلکه خود دین اسلام یک سرطان خبیثه است که یک دین منحط، مختنق و ضد مدنیت است. داعش، القاعده، الشبیب، باکو حرم و طالبان و دو صد سازمان مسلح دهشت افگنی که نام شان به الف و لام شروع می شود با تمام دهشت افگنی، قتل و قتال و ویرانی که امروز اسلام را بروی صحنه بین المللی کشانیده اند کدام یک بر مبانی واقعی دینی، نصوص قرآنی و دساتیر محمدی تطابق دارد؟؟؟ و با آشنایی کامل با اعمال طالب می توان گفت که هر یک حربه سیاسی بوده و برای تأمین هدف خاصی ایجاد گردیده و هیچ یک صبغه دینی ندارد و در برابر ایجاد بعضی و مراجع تمویل و تسلیح چون داعش می توان سؤالیه گذاشت که اصلاً دست اسلام دخیل است؟

مسؤولیت و موقف امت اسلام در مجموع:

در این احوال ضدیت و بدبینی با اسلام که تا حد زیاد موجه است ممالک اسلامی، کنفرانس اسلامی و علمای اسلام و مخصوصاً ممالک ثروتمند اسلامی مکلف اند که با ایجاد رسانه های قوی بین المللی از طریق تبلیغ عالمانه و مسالمت آمیز با انعقاد مجالس و کنفرانس ها در مؤسسات معتبر علمی جهان حقیقت اسلام را در مجالس گفت و شنود و تفاهات بین الدینی روشن ساخته این توحشات و دهشت افگنی ها را با تمام قوت و شدت تقبیح نموده ذهنیت دنیا را تغییر دهند و خود عملاً و مشترکاً بر علیه تروریزم در ستیز بر آیند. اگر پاکستان، ایران و عربستان سعودی خود در حمایت، پرورش، تمویل و تسلیح گروه های دهشت افگن دست دارند موقف گیری شان علیه تروریزم و هر نوع تبلیغ شان و حتی اسلامیت شان جداً مورد سؤال است، چون کفر از کعبه برخیزد

قتل وحشیانه دختر معصوم افغان به نام فرخنده در پایتخت جمهوریت اسلامی و ارتکاب جنایات بی شمار توسط عبا داران و قبا داران با هزاران مسجد و صد ها مدرسه دینی و مسابقات قرآن خوانی و هزاران ملا، مولوی و مبلغ خود ممثل آن است که ما خود تا کدام حد دین خود را دانسته و مطابق احکام آن رفتار نموده ایم، و یا واقعاً اسلام وجود دارد؟

با وصف زیاده گویی گمان نمی برم حتی بخش بسیار کوچک این بحث پر محتوی و جامع را ارزیابی کرده باشم. کم من و کرم سدید صاحب و همه دوستان.

(پایان)